

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

حسین مسعودنیا^۱، علی ابراهیمی^۲، مجتبی رضازاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

چکیده

بی‌تردید، موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور ایران و عراق در باب مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... در بستر تاریخ در هم تنیده شده است؛ به گونه‌ای که امتزاج میان این حوزه‌ها را می‌توان در عصر وابستگی متقابل مشاهده کرد. یکی از مناطقی که از تأثیرگذاری و اهمیت بالایی در عراق جدید برخوردار است، منطقه خودمختار کردستان محسوب می‌شود که در پرتو واقعیت‌های ژئوپلیتیک، بررسی فرصت‌ها و چالش‌هایی را که پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است، ضروری نموده است. پژوهش حاضر، ضمن تمهید پشتوانه نظری مبتنی بر وابستگی متقابل، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که منطقه کردستان عراق از چه ظرفیت‌ها و امکاناتی در جهت تأثیرگذاری بر جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ فرضیه مقاله عنوان می‌کند که روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق می‌تواند در حوزه‌های موضوعی فرهنگ، توریسم و امنیت منطقه‌ای، فعالیت اقتصادی و مسأله انرژی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ج.ا.ایران زمینه‌سازی نماید. پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. نتایج تحقیق مؤید این واقعیت است که درک صحیح جمهوری اسلامی ایران نسبت به جایگاه اقلیم کردستان عراق، می‌تواند در جهت تهدیدزدایی امنیتی و تأمین منافع ملی مؤثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی: کردستان عراق، جمهوری اسلامی ایران، وابستگی متقابل، فرصت‌ها، چالش‌ها

۱. (نویسنده مسؤول)، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران h.masoudnia@ase.ui.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، ایران

۱. مقدمه

خاورمیانه منطقه‌ای استراتژیک است که حجم بالایی از منازعات را به خود دیده است. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوء تفاهات سیاسی؛ از جمله عوامل واگرایی در این منطقه محسوب شده که به صورت چالش‌هایی برای کشورهای این حوزه جغرافیایی تعین پیدا می‌کند. از طرف دیگر، موقعیت راهبردی این منطقه سبب شده تا برخی از کشورهای همجوار، در صدد همکاری و تأمین منافع ملی خویش گام بردارند. اهمیت موضوع تا آنجاست که مجاورت جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همسایگان و همچنین، آسیب‌پذیری‌های متقابل میان آنها، باعث شده تا امنیت و ناامنی در منطقه خاورمیانه به صورت انکارناپذیری با یکدیگر ارزیابی شود. بر همین اساس، کشورهای واقع در یک حوزه جغرافیایی به حکم مؤلفه‌هایی، همچون: جغرافیا، تاریخ، اقتصاد و فرهنگ بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند. واقعیت چنین وضعیتی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای تصمیم‌سازی هر یک از کشورها در پی خواهد داشت و می‌تواند موجبات شکل‌گیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای را فراهم کند؛ به طوری که در آن دولت‌ها به اندازه‌ای به یکدیگر پیوند خورده‌اند که امنیت آنها را نمی‌توان فارغ از یکدیگر مدنظر قرار داد (Buzan & Wæver, 2003: 48).

از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه که از دیرباز در حوزه‌های مختلف سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به جهت مجاورت سرزمینی وابستگی متقابلی داشته و از یکدیگر متأثر می‌شوند، جمهوری اسلامی ایران و عراق هستند. با توجه به تحولات صورت گرفته در عراق؛ به‌ویژه پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس و ایجاد منطقه پرواز ممنوع به منظور اداره امور جاری، در کردستان عراق ترتیبات حکومتی شکل گرفت که فرصتی مطلوب برای اقلیم کردستان عراق محسوب می‌شد (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۵۷۹). در این راستا، دو حزب دمکرات و میهنی که در انتخابات

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ ... / ۳۵

نخستین دوره پارلمانی در کردستان عراق پیروزی شده بودند، به تقسیم قدرت مبادرت ورزیدند. پس از توافق صورت گرفته میان این دو حزب، حکومت اقلیم در کردستان به دو بخش مجزا در سلیمانیه به رهبری حزب میهنی، و دهوک و اربیل به رهبری حزب دمکرات تقسیم شد. به دنبال حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، این دو حزب با یکدیگر متحد شده و به حکومت واحدی در شمال عراق شکل دادند. قانون اساسی عراق نیز که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید، حکومت اقلیم کردستان را به رسمیت شناخت و امتیازات فراوانی را برای آنها در نظر گرفت. در واقع، شمال عراق به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ به بعد، تحولات بسیاری را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پشت سر گذاشته است؛ به گونه‌ای که در تلاش بوده خود را به عنوان کنشگر فعال منطقه‌ای مطرح نماید.

در باب اهمیت سوق‌الجیشی کردستان عراق، می‌توان استدلال کرد که این اقلیم با برخوردار بودن از منابع عظیم نفت و گاز، داشتن بخش‌های بالادست اکثر رودهای جاری در عراق، برخورداری از وضعیت اقلیمی مناسب نسبت به مناطق دیگر کشور، بالا بودن تراکم جمعیت و راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی، دارای وزن بالایی در معادلات جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی کردستان عراق با وجود مزیت‌های پیش‌گفته، با چالش‌هایی نیز روبه‌روست. بزرگ‌ترین چالش پایدار کردستان عراق، موقعیت بسته جغرافیایی است. بسیاری از نیازمندی‌های کردستان عراق، هم‌اکنون از گذرگاه‌های مرزی ایران و ترکیه تأمین می‌شود. این موضوع چالش‌های نظری را برمی‌انگیزد و بررسی تحولات و مختصات پدیدار شده در اقلیم کردستان عراق را برای درک بهتر تأثیرگذاری بر جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌نماید.

با توجه به اهمیت موضوع و شرح مختصر بیان شده، سؤالی که پژوهش حاضر قصد پاسخ‌گویی به آن را دارد، این است که ناحیه کردستان عراق، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش

و عملیاتی کردن فرضیه، پژوهش حاضر در چند بخش سازماندهی شده است. در بخش نخست پس از مقدمه، مبانی نظری وابستگی متقابل در ارتباط با موضوع بیان خواهد شد. در بخش دوم، ساختار داخلی منطقه کردستان عراق به صورت اجمالی توصیف خواهد شد. در بخش سوم، فرصت‌ها و چالش‌هایی که اقلیم کردستان عراق می‌تواند پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد، تبیین و تحلیل خواهد شد و در پایان نیز، نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده و پیشنهادهایی برای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه خواهد شد.

۲. مبانی نظری: وابستگی متقابل

به‌طورکلی، نظریه وابستگی متقابل دارای زمینه تکثرگرایی است که انواع آن در قالب نظریات متفکرانی، همچون: ریچارد کوپر^۱ (۱۹۷۲)، ریچارد روزکرانس و دیگران^۲ (۱۹۷۷)، جیمز روزنا^۳ (۱۹۸۰)، جوزف نای و روبرت کوهن^۴ (۲۰۰۱) نمایان شده است. بر این اساس، یکی از خاستگاه‌های این نظریه را باید در چارچوب فکری تکثرگرایی جستجو کرد که بر تحول مفهوم قدرت تأکید می‌ورزند (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۳). با توجه به ماهیت چندبعدی قدرت و با آنکه قدرت نظامی همچنان سرنوشت‌ساز تلقی می‌شود؛ اما به دلیل هزینه‌های زیاد و ناکامی‌های کارکردی در به‌کارگیری از آن در شرایط چهارگانه‌ای مانند: خطرات ناشی از تشدید رقابت هسته‌ای، تداوم مقاومت مردم در کشورهای ضعیف، احتمال تأثیرات منفی بر دستیابی به اهداف اقتصادی و مخالف افکار داخلی یک کشور به دلیل هزینه‌های انسانی (Keohane & Nye, 2012: 727) امروزه شاهد هستیم که قدرت

1. Richard Cooper

2. R. Rosecrance and et al

3. James Rosenau

4. Robert Keohane and Joseph Nye

اقتصادی و دانش فنی به صورت جایگزین درآمده است. در واقع، هدف اصلی نظریه پردازان وابستگی متقابل، ضمن تبیین کاهش کارایی قدرت نظامی در روابط بین‌الملل، گسترش همکاری میان دولت‌ها برای تحقق جهانی باثبات و دارای امنیت است (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۰۹). وابستگی متقابل در اندیشه بین‌الملل‌گراها ریشه دارد. آنها این داعیه را پرورش می‌دهند که امور دنیا به‌طور عینی در جهت جهانی شدن سیر می‌کند. این جریان عینی در روندهای سیاسی به شکل همکاری میان دولت‌ها منعکس می‌گردد و در عین حال، در راستای صلح و رفاه بیشتر جهان گام برمی‌دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۷). با وجود این و بر اساس رهیافت یادشده، نمی‌توان به سبب افزایش وابستگی متقابل، دوران طلایی از همکاری و مشارکت را که جایگزین منازعه بین‌المللی شود، ترسیم کرد؛ به طوری که وابستگی متقابل در سیاست جهانی، به وضعیتی اطلاق می‌شود که میان کشورها و بازیگران متفاوت تأثیرگذاری متقابلی می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین، ضمانتی وجود ندارد که وابستگی متقابل میان کشورها، لزوماً به نفع هر دو طرف بینجامد (قوم و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۴). در این زمینه، کوهن و نای بر این باورند که کشورها ممکن است به واسطه عواقب منفی ناشی از وابستگی متقابل، به توقف ارتباط با یکدیگر مبادرت ورزند؛ صرف نظر از هر گونه مزایایی که می‌توانند در نتیجه ارتباط متقابل به ارمغان بیاورند (Baldwin, 1980: 482) با وجود اهمیت عرصه‌های اقتصادی، نظریه وابستگی متقابل صرفاً به این حوزه محدود نشده، به سایر حوزه‌ها نیز می‌تواند تسری یابد. بدین سان می‌توان استدلال نمود که روابط بین کشورهایی که در مجاورت جغرافیایی و همسایگی یکدیگر قرار دارند، به وابستگی امنیتی میان آنها خواهد انجامید که در این صورت، ممکن است به شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای^۱ مبدل شود (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۶). مرکز ثقل نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای، این است که تهدیدهای امنیتی به سهولت، مناطق نزدیک را نسبت به

فواصل دورتر تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چه اینکه، «وابستگی امنیتی معمولاً بر مجموعه‌های مستقر در یک منطقه تمرکز دارد که از آنها به‌عنوان مجموعه امنیتی یاد می‌شود» (ایلخانی‌پور و بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۲). یکی از شرایطی که در شکل‌گیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای دخیل است، وجود وابستگی متقابل شدید میان گروهی از کشورهاست که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. در این زمینه، بوزان معتقد است که مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که شبکه‌ای از روابط امنیتی شدید میان برخی از کشورها، امنیت آنها را به‌هم پیوند زده و امنیت آنها را از سایرین جدا کرده باشد؛ به گونه‌ای که شدت وابستگی متقابل امنیتی در میان اعضای مجموعه در مقایسه با واحدهای خارج از مجموعه بیشتر باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۹). منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تأثیر و تأثر اعضای تشکیل دهنده مجموعه است؛ به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه گردد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

بر مبنای مباحث مطرح‌شده، می‌توان استدلال کرد که میان ایران و اقلیم کردستان عراق، نوعی وابستگی متقابل وجود داشته و یا در حال شکل‌گیری است. طبق آموزه‌های نظری وابستگی متقابل، مجاورت جغرافیایی می‌تواند بیانگر فایده - هزینه و یا چالش و فرصت‌های متقابلی برای کشورها باشد. تحت این شرایط به نظر می‌رسد، از حوزه‌های موضوعی که می‌تواند وابستگی متقابل میان ایران و اقلیم کردستان عراق را زمینه‌سازی کند، موضوع فرهنگ، تروریسم و امنیت منطقه‌ای، فعالیت اقتصادی و مسأله انرژی... است. بنابراین، با عنایت به موقعیت سوق‌الجیشی، منطقه کردستان عراق از این قابلیت برخوردار است که چالش‌هایی را متوجه ایران کند. با وجود این، به نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار مناسبی نیز برای آغاز یک گفتگوی سازنده به‌عنوان فرصت میان ایران و اقلیم کردستان عراق وجود داشته باشد که در ذیل به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۳. ساختار داخلی کردستان عراق

۳-۱. **موقعیت جغرافیایی:** اقلیم کردستان عراق از شرق با ایران، از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم مرز بوده و بر استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از دو استان نینوا و دیاله تسط دارد. جمعیت اقلیم کردستان در حدود ۵/۲ میلیون نفر با رشد جمعیتی ۳٪ در سال است (Carnegy et al, 2013: 1) که در کنار اعراب سنی و شیعه، یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده کشور عراق را تشکیل می‌دهد (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30) پس از فرار نیروهای عراقی از منطقه کرکوک، نیروهای پیشمرگ این منطقه استراتژیک را به تصرف درآورده و خواهان پیوستن قسمت‌های وسیع‌تری از استان‌های دیاله و نینوا (شهر موصل) و استان صلاح‌الدین (شهر صلاح‌الدین) به کردستان هستند. به لحاظ جغرافیایی، کردستان عراق درصدد است تا سطح اعمال قدرت خود را بر همه مناطق دارای جمعیت کرد گسترش دهد و در مناطقی که اکثریت جمعیت آنها کرد است، بر اساس قانون اساسی خواهان همه‌پرسی و الحاق هرچه زودتر آنها به کردستان است (Cordesman and Khazai, 2014: 149).

۳-۲. **اقتصاد:** در سال ۲۰۱۱ تولید ناخالص داخلی کردستان عراق ۲۳/۶ میلیارد دلار برآورد شد. درآمد ملی در کردستان عراق بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷، ۲۸۹٪ رشد داشته است. این رشد در سال ۲۰۰۸، ۷۷/۶۲٪ به ازای سال ۲۰۰۷ بوده است. در سال ۲۰۱۲ رشد اقتصادی کردستان عراق ۱۲٪ بود. براساس برآوردها، این رشد در سال ۲۰۱۳ به حدود ۸٪ رسیده است. در سال ۲۰۱۲ تورم در کردستان عراق ۵/۶ درصد و میزان بیکاری ۶٪ بوده است. در حال حاضر، ۱۷٪ کل بودجه عراق به اقلیم کردستان اختصاص دارد که ۷۰ درصد آن صرف هزینه‌های جاری و ۳۰ آن صرف سرمایه‌گذاری می‌شود (Invest in group, 2013).

کردستان عراق می‌کوشد تا سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی را به سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و گردشگری تشویق کند. پس از تصویب قانون سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶ که معماری جدیدی را در رابطه با جذب سرمایه‌گذاری خارجی بنیاد نهاد، کردستان عراق خود را به‌عنوان محیط مناسب کسب‌وکار معرفی کرد. تا ژوئن ۲۰۱۳ بیش از ۲۳۰۰ شرکت خارجی و ۱۵۰۰ شرکت محلی در کردستان عراق به ثبت رسیده است. از جمله عوامل مؤثر در رشد سرمایه‌گذاری‌ها در کردستان عراق، می‌توان به امنیت، قدرت قوانین، زیرساخت فرودگاه، زیرساخت‌های انتقالی و رشد اجتماعی، کیفیت زندگی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد (Carnegy et al., 2013: 1)

در اوایل سال ۲۰۱۳ کل منابع نفتی عراق ۱۴۱ میلیارد بشکه تخمین زده شد. از این مقدار، ۴۵ میلیارد بشکه آن در ناحیه کردستان عراق قرار دارد (Andreas, 2014: 1). هم‌اکنون، کردستان عراق از ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار بشکه نفت در روز برخوردار است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، این اقلیم در تلاش است تا این مقدار را به دو برابر در سال ۲۰۱۵ افزایش دهد. اکثر گازهای موجود در میدان نفتی عراق به شکل «گاز همراه» است؛ در حالی که بیشتر گازهای طبیعی «غیرهمراه» که از مزیت بیشتری برخوردار است در ناحیه کردستان عراق جای گرفته‌اند. از این رو، در سال‌های اخیر کردستان عراق به عنوان یک منبع بالقوه بسیار مهم نفت و گاز در منطقه مطرح شده است (Mills, 2013: 51). موقعیت بسته جغرافیایی کردستان عراق موجب شده است تا در زمینه صدور انرژی به کشورهای ایران و ترکیه وابسته باشد. علایق اقتصادی و استراتژیک این اقلیم در زمینه انرژی به سمت انتقال و مبادله با ترکیه بوده است. از این رو، اقلیم کردستان در تلاش است تا مسیر کسب درآمد و صادرات را به‌وسیله ترکیه با ضربه زدن به خطوط انتقال ترکیه-عراق مستقل کند. در ماه می ۲۰۱۲ بدون موافقت دولت بغداد قراردادی میان ترکیه و کردستان عراق منعقد شد تا یک خط لوله گاز و دو خط لوله نفت، مستقیماً از کردستان

عراق به ترکیه کشیده شود. این خطوط با دورزدن خط لوله بغداد- جیحان (ترکیه) برای نخستین بار دسترسی مستقیم کردها به بازارهای بین‌المللی را فراهم کرده است. موضوعی که باعث شد کردستان عراق یک گام دیگر به آرزوی بلندمدت خود در زمینه کسب استقلال سیاسی نزدیک‌تر شود (Tol, 2014: 2).

۳-۳. سیاست: پس از شکست صدام حسین از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و سقوط دولت عراق پس از حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳، کردهای عراق توانستند حکومت خودمختار در شمال عراق تأسیس کنند (Charountaki, 2012: 185).

در تقسیم‌بندی سه‌گانه قدرت، کردها یک ضلع آن را در کنار شیعه‌ها و سنی‌ها تشکیل می‌دهند. براساس توافق صورت گرفته، هر یک از سه پست کلیدی ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیری و ریاست پارلمان به نمایندگان یکی از گروه‌های سه‌گانه اختصاص یافته و هریک باید دو معاون از دو گروه دیگر داشته باشند (پیشگاهی فرد و نصرالهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۱۹۲). با وجود اختیارات پیش‌بینی شده در قانون اساسی، مهم‌ترین هدف سیاسی که از سوی کردهای عراق و به‌ویژه حزب دمکرات کردستان (در میان حزب میهنی، نوعی پراکندگی آرا نسبت به ایجاد دولت مستقل کردستان وجود دارد) دنبال می‌شود، تشکیل دولت مستقل کردستان است.

آنچه مسلم است، مهم‌ترین قدرت در ساختار سیاسی شمال عراق، احزاب و رهبران سیاسی هستند. از سال ۲۰۰۳ تاکنون، دو حزب دمکرات و میهنی، از اثرگذاری بیشتری در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در شمال عراق برخوردارند. به‌بیان دیگر، رهبران سیاسی، پارلمان را سازمان اصلی دولت در شمال عراق نمی‌دانند. از این‌رو، قدرت اصلی در کردستان عراق به احزاب تعلق دارد (Erkmen, 2012: 86). در واقع، حکومت در کردستان عراق برای مدت زمان طولانی توسط دو حزب اتحاد میهنی به رهبری جلال طالبانی و حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی اداره می‌شد. این امر به ایجاد

درگیری‌های متناوب میان آن دو حزب در طول دهه ۱۹۹۰ منجر شد. در سال ۲۰۰۴ این دو حزب، ائتلافی با عنوان اتحاد میهنی- دمکراتیک کردستان ایجاد و به شکل متحد در انتخابات شرکت نمودند. طالبانی و بارزانی در سال ۲۰۰۷ نیز با چگونگی تقسیم قدرت میان خود موافقت کردند (Cordesman & Khazai, 2014:162- 163)؛ تا آنجا که انحصار قدرت به تحکیم جایگاه دو حزب میهنی و حزب دمکرات در فرایندهای سیاسی منجر شد.

۴. فرصت‌ها و چالش‌های اقلیم کردستان عراق برای جمهوری اسلامی ایران: عموماً

استدلال می‌شود که از نظر ژئوپلیتیکی، سیستم بین‌الملل بر اساس مرزبندی‌های جغرافیایی تعیین پیدا می‌کند و هر یک از کشورها بر اساس جایگاه خود در ساختار قدرت جهانی و مناطق آن، از نقش‌آفرینی برخوردار خواهند بود. جمهوری اسلامی ایران نیز الزاماً در منطقه ژئوپلیتیک خاصی جای گرفته است و با توجه به اقتضانات محیطی، رفتارهای آن نیز شکل می‌گیرد (Sariolghalam, 2003: 69-82). از سوی دیگر، ایران در راستای قدرت و منافع ترسیمی، به تدوین سیاست خارجی اقدام خواهد کرد. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که در تبلور و شکل‌گیری سیاست خارجی ج.ا. ایران، عوامل دوگانه‌ای مؤثر هستند: اول، عوامل جغرافیایی که به مثابه یک داده، بر کشور و سیاست خارجی تحمیل می‌گردد؛ دوم: تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها که می‌تواند در جهت تأمین منافع ملی سازنده باشد.

بر اساس نظریه وابستگی متقابل، ماهیت ترتیبات امنیتی خلیج فارس نیز معلول الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه محسوب می‌شود؛ چه اینکه میزان تعاملات در سطح منطقه، چنان وسیع است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به سرعت در منطقه تأثیرگذار شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۳). محیط بین‌المللی نیز بر دولت‌های ملی و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی تأثیرگذار است که این موضوع ناظر بر محدودیت و مقیدسازی حیطه انتخاب کشورها و سیاستگذاران است. به عبارت دیگر، هر دولتی در درون بافت و زمینه‌ای قرار گرفته است که در آن تعداد کثیری از کشورها و بازیگران بین‌المللی

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ ... / ۴۳

نیز حضور دارند (راست و استار، ۱۳۸۱: ۱۰۴)؛ واقعیتی که محدودیت‌ها و نیز فرصت‌هایی را برای انتخاب و تصمیم هر یک از بازیگران به وجود می‌آورد. از این رو، خلیج فارس را می‌توان همچون یک مجموعه امنیتی تلقی کرد؛ به این دلیل که فرایندهای عمده تأمین امنیت و بروز ناامنی در میان کشورهای آن، به اندازه‌ای به هم پیوستگی دارند که مشکلات امنیتی هرکدام از آنها را بدون لحاظ کردن دیگری نمی‌توان تجزیه و تحلیل کرد (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۳).

با توجه به مطالب فوق، ژئوپلیتیک عراق جدید و وجود اقلیم کردستان عراق به دلیل همجواری جغرافیایی، از ظرفیت‌ها و امکاناتی برخوردار است که می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل قرار دهد که در ذیل به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

۴-۱. **چالش‌ها:** هرچند راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون حفظ تمامیت ارضی بوده است؛ اما غفلت از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین، تحولات صورت گرفته در اقلیم موجب می‌شود تا چالش‌هایی از جانب کردستان عراق جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به متغیرهای ذیل اشاره کرد:

۴-۱-۱. متغیر اقتصادی

واگذاری بازار کردستان عراق به ترکیه: در سال‌های گذشته، شرکت‌های ترکیه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در کردستان انجام دادند (Zulal, 2012:146). به گفته حیاتی یازیجی، وزیر بازرگانی و گمرکات ترکیه «نزدیک به نیمی از ۲۲۴۱ شرکت خارجی فعال در منطقه اقلیم کردستان در شمال عراق را شرکت‌های ترکیه‌ای تشکیل می‌دهند». به گفته وی «در اکتبر سال ۲۰۱۲ میلادی در مناطق اربیل، سلیمانیه، دهوک و زاخو، اقلیم کردستان عراق تعداد شرکت‌های خارجی ثبت شده ۲۲۴۱ شرکت بود که ۴۸/۴۲ درصد آنها با اعتبار مالی سرمایه‌گذاران ترک به ثبت رسیده است» (اتاق مشترک بازرگانی، صنایع و معادن ایران

و عراق، ۱۳۹۱). در این راستا، آمارها نیز نشان از افزوده شدن حجم مبادلات ترکیه و اقلیم حکایت دارد؛ به گونه‌ای که حجم تبادلات تجاری میان کردستان و ترکیه در سال ۲۰۱۱ به ۱۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۳ به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است (Mills, 2013:58-59). این درحالی است که از ۳۰۰۰ شرکت خارجی ثبت شده در اقلیم کردستان عراق، سهم ایران از این تعداد ۴۰۰ شرکت است که به عبارتی، ۱۲٪ از سهم شرکت‌های خارجی در این منطقه را تشکیل می‌دهد (همان، ۱۳۹۴). بدین‌سان، حضور فعال ایران در عرصه اقتصادی کردستان عراق، ضمن کاهش نفوذ ترکیه در این اقلیم، بازار مناسبی را در اختیار سرمایه‌گذاران ایرانی قرار خواهد داد.

۲-۱-۴. متغیر سیاسی

تهدیدات نرم سیاسی کردستان عراق: طی چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیادهای ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به مثابه مهم‌ترین فلسفه وجودی تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق را تشکیل می‌دهد، زمینه‌ای برای ایجاد تهدیدات نرم سیاسی با استفاده از تمایلات قوم‌گرایانه در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون شده است. در این زمینه، از جمله عوامل مرتبط با این موضوع، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان عراق و به‌ویژه تشکیل حکومت فدرال است؛ به طوری که موفقیت کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین‌الملل در مسأله کردها و حمایت آمریکا، اروپا و نظام بین‌المللی از آنان، باعث شده تا فدرالیسم از سوی برخی اکراد؛ به‌ویژه در ایران طرح شود که نمود خود را با تأکید ورزیدن برخی گروه‌ها و احزاب در ایجاد چنین نظام حکومت‌داری و عدم مشارکت فعال در انتخابات سراسری کشور نشان داده است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۵).

به نظر می‌رسد از جمله عوامل تسهیل‌کننده تهدیدات نرم سیاسی، حمایت از گروه‌های کرد ایرانی در داخل سرزمین کردستان عراق باشد؛ چه اینکه، مناطق اقلیم کردستان عراق همواره مکانی برای پناه دادن به گروه‌های کرد نواحی داخلی ایران بوده

است. در اين زمينه به دليل نزديكى حزب دمكرات كردستان ايران به حزب دمكرات عراق، مناطق تحت نفوذ آنها در دهوك و اربيل، پناهگاهى براى اين حزب بوده است. در طرف مقابل نيز حزب ميهنى، حزب كومه را در مناطق تحت نفوذ خود مورد حمايت قرار داده است. از نظر جمهورى اسلامى ايران، كردستان عراق همواره در برابر سوءاستفاده‌هاى گروه پژاك از زمين‌هاى عراق و شيطنت‌هاى آنها در مرزهاى غربى ايران سكوت اختيار كرده است. هر قدر، وابستگى كردها به ايران كمتر باشد، زمينه براى حمايت آنها از گروه‌هاى كردى ايرانى بيشتر فراهم مى‌شود (Hevian, 2013).

كوشش كردستان عراق به منظور دستيابى به استقلال: سهم قابل توجهى از قدرت دولت مركزى عراق به كردها اختصاص يافته است. در تقسيم‌بندى سه‌گانه قدرت، كردها يك ضلع آن را در کنار شيعه‌ها و سنى‌ها تشكيل مى‌دهند. بر اساس توافق صورت گرفته، هر يك از سه پست كلدى رياست جمهورى، نخست‌وزيرى و رياست پارلمان به نمايندگان يكى از گروه‌هاى سه‌گانه اختصاص يافته و هريك بايد دو معاون از دو گروه ديگر داشته باشند (پيشگامى فرد و نصرالهي زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۹۲). با وجود اختيارات پيش‌بنى شده در قانون اساسى، مهم‌ترين هدف سياسى كه از سوي كردهاى عراق و به‌ويژه حزب دمكرات كردستان (در ميان حزب ميهنى، نوعى پراكندگى آرا نسبت به ايجاد دولت مستقل كردستان وجود دارد) دنبال مى‌شود، تشكيل دولت مستقل كردستان است.

با آغاز پيشروى گسترده و سريع نيروهاى گروه دولت اسلامى كه در آن زمان خود را داعش (دولت اسلامى عراق و شام) مى‌خواندند، دولت اقليم كردستان عراق برخوردى محتاطانه در پيش گرفت و به‌ويژه به‌نظر مى‌رسيد با دراختيار گرفتن كركوك، به برنده بزرگ جنگ نيروهاى داعش عليه دولت مركزى عراق به رهبرى نوري المالكي بدل خواهد شد. در آن زمان، رهبران كردستان عراق، با انتقاد از آنچه كه آن را سياست‌هاى فرقه‌اى نوري‌المالكي مى‌خواندند، نه تنها داعش را مشكل نوري‌المالكي مى‌دانستند؛ بلكه حتى به

صراحت از ضرورت استقلال کامل کردستان عراق سخن می‌گفتند (Cîrlig, 2015:1). هرچند دولت اقلیم، فرصتی برای فروش مستقل نفت مناطق تحت کنترل خود پیدا نکرد و عملیات غافل‌گیرکننده نیروهای گروه دولت اسلامی و پیشروی سریع آنان به سوی اربیل، معادلات پیشین را یکباره به هم ریخت؛ با این حال، آرمان دست‌یابی به استقلال سیاسی همواره از سوی رهبران اقلیم دنبال می‌شود. با توجه به رویکرد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حفظ تمامیت ارضی کشور، وجود جمعیت کرد در مرزهای غربی کشور و تأثیر پذیری آنها از روند تحولات کشور عراق، موضوع استقلال کردهای عراق یک چالش محسوب می‌شود.

۳-۱-۴. متغیر جغرافیایی

استفاد از کارت کردهای نواحی داخلی برای امتیازگیری از دولت ایران: ایران و عراق دارای طولانی‌ترین مرز بین‌المللی مشترک هستند. دو کشور ایران و عراق دارای مرز مشترکی به طول ۱۴۵۸ کیلومتر هستند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن، مرز مشترک آبی (اروند رود) و بقیه آن زمینی است. به ترتیب، استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم‌مرز هستند. ایران در نواحی همجوار با کردستان، کرمانشاه و ایلام دارای خلاء ژئوپلیتیک است (هرکدام حدود ۳۰۰ کیلومتر) که این مناطق نیز با کردستان عراق هم‌مرز هستند (برزگر ۱۳۸۵:۱۱۶). این امر از لحاظ جغرافیایی نوعی آسیب‌پذیری برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. پس از سرنگونی صدام، کردها دارای جایگاه مطمئن‌تری در عراق شده و حکومت منطقه‌ای آنها به رسمیت شناخته شد. دستاوردهای آنها در قانون اساسی عراق و حضور آنها در رده بالای مقامات دولت مرکزی، خیالشان را برای تداوم بقا راحت‌تر کرده است. در این مقطع زمانی، رهبران کرد همانند دهه ۱۹۹۰ به کشورهای منطقه امتیاز نمی‌دهند و کوشش می‌کنند از موضوع کردها به‌عنوان ابزاری برای گرفتن امتیاز علیه دولت‌های منطقه‌ای؛ به‌ویژه ایران و ترکیه استفاده کنند.

۴-۱-۴. متغیر بین‌المللی

حضور کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اقليم كردستان: ساختار فدرالی موجود در عراق بیانگر نوع متفاوت و متمایزی از روابط دولت مرکزی و ایالت یا اقليم است که در سایر نقاط جهان مشاهده نمی‌شود؛ به‌خصوص اینکه اقليم كردستان دارای سطح گسترده‌ای از اختیارات و امتیازات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی است که در سایر الگوهای فدرالی عمدتاً در اختیار دولت مرکزی است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۰۷). كردستان عراق در تلاش است تا میان عرصه‌های سیاسی و اقتصادی توازن ایجاد کند؛ از این‌رو، برقراری روابط با کنشگران منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای، یکی از اولویت‌های اربیل است که در این راستا، ترکیه یکی از دولت‌های مورد توجه اقليم محسوب می‌شود (Zulal, 2012: 148). اهمیت این روابط تا آنجاست که در سال ۲۰۱۱ رجب طیب اردوغان به‌عنوان نخستین نخست‌وزیر ترکیه، به كردستان عراق سفر کرد. در مقابل، مقامات کرد نیز به صورت مداوم به ترکیه سفر می‌کردند. در این زمینه سفر مسعود بارزانی، رئیس اقليم كردستان، به دیاربکر برای شرکت در گردهمایی حزب عدالت و توسعه به لحاظ سمبلیک از اهمیت زیادی برخوردار بود (Pischedda, 2014: Morelli & 110). موقعیت بسته جغرافیایی كردستان عراق موجب شده است در زمینه صدور انرژی، به کشورهای ایران و ترکیه وابسته باشد. علائق اقتصادی و استراتژیک این اقليم در زمینه انرژی به سمت انتقال و مبادله با ترکیه بوده است. اقليم كردستان در تلاش است تا مسیر کسب درآمد و صادرات را به‌وسیله ترکیه، با ضربه زدن به خطوط انتقال ترکیه-عراق به انحصار خود درآورد. در این زمینه، خطوط لوله كردستان به ترکیه با دورزدن خط لوله بغداد - جیحان برای نخستین بار دسترسی مستقیم کردها را به بازارهای بین‌المللی فراهم کرده است (Tol, 2014: 2).

رابطه اقلیم کردستان عراق با اسرائیل نیز به طور معناداری مثبت ارزیابی می‌شود. پس از سرکوب شورش کردها در ۱۹۹۱ توسط صدام، کردهای اسرائیل که جمعیتشان ۱۰ هزار نفر تخمین زده شد، سازمان کمک به کردهای عراق را ایجاد کردند. آنها همچنین تظاهراتی در مقابل اسحاق شامیر، نخست‌وزیر سابق اسرائیل انجام داده و از دولت آمریکا تقاضا کردند به کردهای عراق کمک کند. اندکی پس از آن، باشگاه دوستی کردستان-اسرائیل در اورشلیم با هدف ترویج روابط میان اسرائیل، یهودیان، و کردهای جهان شکل گرفت (Zaken, 2007: 375). پس از فروپاشی حکومت صدام در سال ۲۰۰۳ و تأسیس حکومت خودمختار کردستان، روابط میان آنها تقویت شد. دلیل این موضوع، عدم مخالفت دولت عراق با دولت اسرائیل بود؛ به طوری که در سال ۲۰۰۶، مسعود بارزانی در یک اظهار نظر در کویت بیان کرد: «ایجاد روابط میان کردستان و اسرائیل در شرایطی که بسیاری از کشورهای عربی با دولت یهودی رابطه دارند، جرم نیست». در مقابل، بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، در یک نطق سیاسی در سال ۲۰۱۴، از ایجاد یک دولت مستقل در کردستان حمایت کرد. او گفت: «کردها مردمانی معتدل و متعهد از لحاظ سیاسی بوده و مستحق استقلال سیاسی هستند» (Wikipedia, 2015). به طور کلی، دلایل اهمیت کردستان برای اسرائیل را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد:

- تحت فشار قرار دادن ایران و ترکیه (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۶۴)؛
- انجام عملیات اطلاعاتی در منطقه از طریق کردستان (به‌ویژه در مناطق مرزی ایران، ترکیه و سوریه)؛
- پر کردن خلاء متحد راهبردی در منطقه خاورمیانه؛
- تلاش برای قدرت‌یابی عناصر سکولار و گروه‌هایی که در عراق دارای مواضع معتدل نسبت به اسرائیل هستند؛
- تضعیف جبهه ضد صهیونیستی در منطقه؛

- استفاده از كردستان به منظور مشروعيت بخشى به تشكيل دولت در فلسطين اشغالى (با توجه اينكه هر دوى آنها، تجارب مشتركى در زمينه كوشش براى دولت سازى دارند و نيز جزو اقليت هاى هستند كه در طول تاريخ از دولت محروم بوده و از نگاه خود مورد ظلم واقع شده اند)؛

- پيدا كردن شريك مناسب تجارى در زمينه منابع انرژى (رضوى، ۱۳۸۷: ۱۲۱-)

(۱۲۳).

ايالات متحده آمريكا نيز همواره يكي از كنگرگان فرامنطقه اى در عراق محسوب مى شود؛ به طورى كه كردستان عراق كاملاً نسبت به نقش كشور آمريكا در اين اقليم و تأثير اين كشور در استقلال احتمالى آگاه است. بدین سان، در تلاش است تا رويكرد آن را نسبت به اقليم تغيير دهد. على رغم موقعيت ضعيف تر كردستان در مقايسه با تركيه و دولت مركزى عراق، لابي كردستان به شدت در آمريكا فعال است. در اين زمينه، قباد طالبانى، نماينده سابق كردستان عراق در آمريكا، در ايجاد تصويرسازى مثبت از كردها و نشان دادن حسن نيت آنها تا حدودى موفق عمل كرده است (Gunter, 2012: 92). نقش آمريكا در تحولات كردستان عراق بسيار تأثيرگذار تلقى مى شود؛ چه اينكه به واسطه حمله آمريكا به عراق در سال ۱۹۹۱ و ايجاد منطقه ممنوعه در شمال عراق، كردها توانستند حكومت خودمختار تاسيس كنند. همچنين، در سال ۲۰۰۳، پس از اشغال عراق توسط آمريكا، خودمختارى كردها تقويت شد. كردها در اين جنگ به پشتيبانى از آمريكا پرداخته و به متحدان اطلاعاتى آمريكا تبديل شدند. در مقابل، آمريكا نيز در تدوين قانون اساسى عراق از مواضع كردها حمايت كرد (شيخ نشين و قديمى، ۱۳۹۱: ۵۸).

با توجه به مطالب فوق، عدم حضور مؤثر ايران در اين منطقه، زمينه را براى حضور كنگرگان منطقه اى و فرامنطقه اى بيش از پيش فراهم مى كند. بازار كردستان عراق تا حدود

زیادی در دست کشور ترکیه است. دولت آمریکا دارای پایگاه نظامی در کردستان عراق است و اسرائیل نیز به شیوه‌های گوناگون درصدد نفوذ در این منطقه راهبردی است.

۲-۴. **فرصت‌ها:** چنانکه بیان شد، عدم حضور فعال ایران در مناسبات اقلیم، تأثیر منفی بر آینده منافع ایران بر جای خواهد گذاشت. به‌منظور دستیابی به هدف حفظ تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از استقلال کردستان، نگاه امنیتی صرف نه تنها کافی نیست؛ بلکه در بلند مدت آثار زیان‌باری بر منافع ملی ایران خواهد داشت. از این‌رو، به‌کارگیری دیپلماسی منطقی از سوی ایران در مناسبات اقلیم کردستان امری ضروری است. حضور فعال ایران در کردستان عراق، ضمن برطرف‌سازی مشکلات ناشی از چالش‌های اشاره شده، بسترساز فرصت‌های زیادی برای جمهوری اسلامی خواهد بود که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲-۴. **متغیر سیاسی: تقویت محور شیعه و کرد در عراق:** گفتمان رهبران کرد، همواره توجه به این اقلیم و تأثیرگذاری در دولت فدرال عراق بوده است که بدین منظور، توافقی صورت گرفت. پس از تشکیل دولت دوم نوری مالکی در سال ۲۰۱۱- که کردها آن را نتیجه سازش خود در مذاکرات می‌دانستند- عدم انعطاف‌پذیری نخست وزیر در اجرای توافق و تأمین حقوق اقلیم کردستان به عرصه‌ای برای افزایش اختلافات و تیره شدن روابط میان آنها تعیین یافت. بر اساس توافق، نخست وزیر باید برای واگذاری وزارتخانه‌های امنیتی کلیدی دولت جهت تأمین خواسته‌های اهل سنت عرب و کرد، به‌منظور تقسیم قدرت کوشش کند. با وجود این، به جای اجرای توافقنامه، نخست وزیر به تحکیم موقعیت خود و تقویت جایگاه خود در شورای نمایندگان گام برداشت. از این رو، مخالفان مالکی به رهبری مسعود بارزانی و جلال طالبانی در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲، اقداماتی را در جهت رأی عدم اعتماد به نخست وزیر سازمان دادند که با موفقیت همراه نشد (Stansfield, 2013: 271-272). همچنین، اقدامات نوری مالکی در دوران نخست وزیری و تنش میان

اقليم كردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛... / ۵۱

کردها و عرب‌های سنی، در ایجاد پیوند میان آنها و مخالفت با دولت مسلط شیعی مؤثر بوده است. از این‌رو، کوشش برای تقویت محور شیعه و کرد در عراق، یکی از اقداماتی است که می‌تواند از سوی ایران پیگیری شود.

نظارت بر جریان‌های سیاسی حاکم بر کردستان عراق: پس از شکل‌گیری اقلیم کردستان، دو حزب دمکرات و میهنی بر جریان قدرت در کردستان مسلط بودند (هرچند همیشه این دیدگاه وجود داشت که روابط خارجی اقلیم در کنترل حزب دمکرات است)؛ اما پس از شکل‌گیری حزب گوران، حزب میهنی تضعیف شد؛ به گونه‌ای در انتخابات سوم و چهارم پارلمانی در کردستان، تعداد کمی از اعضای این حزب به پارلمان راه یافتند. بیماری جلال طالبانی که برای مداوا به آلمان رفته بود، در روند تضعیف قدرت حزب میهنی مؤثر بوده است. در نتیجه، حزب دمکرات توانست بر جریان قدرت در اقلیم مسلط شود. به دلیل نزدیکی اربیل و دهوک به ترکیه (دو شهری که تحت نفوذ حزب دمکرات هستند)، نگاه این حزب در میان همسایگان بیشتر به ترکیه است؛ در حالی که نگاه حزب میهنی بیشتر به طرف ایران است. با توجه به نزدیکی سلیمانیه به ایران، تقویت جنبش سلیمانیه محور بیشتر در راستای منافع ایران است (Hevian, 2013: 98).

۲-۲-۴. متغیر اقتصادی

بالا رفتن حجم تجارت خارجی با کردستان عراق: در حال حاضر، حجم مبادلات تجاری میان ایران و کردستان عراق در حدود ۴ میلیارد دلار است؛ در حالی که حجم تجارت خارجی ترکیه با این اقلیم ۱۳ میلیارد دلار است (Mills, 2013: 59-60). هم‌اکنون شرکت‌های کمتری از ایران به نسبت ترکیه در کردستان عراق حضور دارند. برخلاف روابط اقتصادی میان اقلیم و ترکیه، پیوندهای اقتصادی محکمی میان ایران و اقلیم کردستان وجود ندارد. از جمله موارد مؤثر در بالارفتن حجم مبادلات تجاری میان ایران و اقلیم کردستان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش پایانه‌های مرزی: اقلیم کردستان در حال حاضر، سه پایانه مرزی اصلی به نام‌های باشماق، پرویزخان و حاج عمران با ایران دارد؛ اما به گفته کارشناسان، افزایش حجم مبادلات تجاری ایران با کردستان عراق، مستلزم گشایش پایانه‌های مرزی بیشتری است؛

- بررسی عملکرد و اثربخشی تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین ایران و اقلیم کردستان در زمینه توسعه تجارت کشور و اصلاح آنها در جهت تامین منافع اقتصادی و تجاری کشور؛

- تقویت حوزه دیپلماسی خارجی در زمینه توسعه روابط اقتصادی با کردستان عراق و رفع موانع سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی؛

- افزایش تعداد کالاهای مشمول تجارت ترجیحی و تخفیفات تعرفه‌ای در مبادله با کردستان عراق.

به نظر می‌رسد، رابطه دولت منطقه‌ای کردستان با ایران از پتانسیل و ظرفیت رو به رشدی برخوردار باشد. با وجود تفاوت‌های ایدئولوژیک، ایران تاکنون از خریداران اصلی نفت و محصولات نفتی دولت منطقه‌ای کردستان بوده است و دو دولت در این زمینه، یک قرارداد انرژی طولانی مدت در آوریل ۲۰۱۴ به امضا رساندند (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30). براساس این توافقنامه که بین تهران - اربیل امضا شده است، ایران در ازای واردات نفت از کردستان عراق، برخی از فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی به این اقلیم صادر می‌کند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳).

حضور در بخش‌های زیرساختی کردستان عراق: پس از شکل‌گیری حکومت اقلیم به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب در بخش‌های مختلف، زمینه برای حضور فعالان اقتصادی ایران در اقلیم فراهم شد؛ اما به دلایل مختلف ایران تاکنون نتوانسته است از فرصت‌های ایجاد شده در این بخش به نحو مطلوب استفاده کند. از جمله این بخش‌ها می‌توان به ساختمان،

انرژی، پيمانکاری، بازرگانی، لجستیکى، حمل و نقل، گردشگری، بازاریابی و آگهی های تجارى، مواد غذایی، مراکز خرید و فروش، خدمات مشاوره ای و مهندسى، بانکدارى، لیزینگ خودرو و بیمه فعالیت اشاره کرد (عیسى، ۱۳۹۰).

۳-۲-۴. متغير فرهنگى

استفاده از ظرفیت اشتراكات فرهنگى میان ایرانیان و کردها: به رغم اشتراكات گسترده فرهنگى که میان ایرانیان و کردها وجود دارد؛ اما این سطح روابط در سطح خوبى نبوده و ظرفیت های خالى بسیارى وجود دارد. زبان های گُردى بخشى از زبان های ایرانی است که توسط گویشوران گُرد استفاده می شود. کردها همواره خود را به مادها منتسب می کنند و مادها نخستین ایرانیانى بودند که سلسله ای پادشاهى در این سرزمین بنا نهادند. بنا به قول بسیارى از پژوهشگران تاریخى، کردها از اصیل ترین اقوام آریایى و ایرانی هستند. در این زمینه دولت باید کوشش کند این ذهنیت تقویت شود که کردها جزئى از فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. نکته مهم این است که کردها خود را به لحاظ فرهنگى كاملاً متمایز از ترک ها و اعراب می دانند (Smith, 2013: 3). یکى از عواملی که موجب تشدید شکاف میان اقليم و دولت مرکزی عراق شده، این موضوع است که کردهای عراقى هیچ گونه احساس تعلقى نسبت به اعراب ندارند. از این رو، برگزاری همایش ها، سمینارها و نمایشگاه هاى پیرامون مباحث فرهنگى، یکى کارهاى است که می تواند در دستورکار قرار گیرد.

۴-۲-۴. متغير بين المللى

همکاری با كردستان عراق در مبارزه با گروه تروریستى داعش: از جمله موضوع هاى که وابستگى متقابلى میان ایران و اقليم كردستان عراق ایجاد کرده است، وجود گروه تروریستى داعش در شمال عراق است؛ موضوعى که ایران را با معمای امنیت روبه رو کرده است. به عبارتى دیگر، همجواری جغرافیایى ایران با كشورى که مرزهای خشكى و آبی آن حدوداً ۱۶۰۰ كيلومتر برآورد شده است، نشان دهنده عمق استراتژیک این موضوع است. بر این اساس، شرایط نابسامان امنیتی در عراق می تواند بر وضعیت امنیت ایران هم تأثیرات منفى بگذارد.

پیشرفت سریع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه در تابستان سال ۲۰۱۴ و اهداف توسعه‌طلبانه اعلام شده توسط این گروه، منطقه خلیج فارس و کل جهان را با تهدید امنیتی قریب الوقوع روبه‌رو کرده است؛ چه اینکه، مناطق بزرگی از خاک عراق و سوریه در حال حاضر تحت کنترل داعش است که این موضوع باعث ایجاد یک ائتلاف جهانی برای مبارزه با آن شده است (Cîrlig, 2015:1). در این راستا، گروه تروریستی داعش، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای عراق؛ یعنی موصل را به عنوان پایتخت خود اعلام کرد و اهداف توسعه‌طلبانه خود را به‌ویژه در زمینه‌های قومی و مذهبی که تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت منطقه محسوب می‌شود، دنبال می‌کند (Hawrami, 2015:65).

متکی بودن داعش بر منابع مالی گسترده‌ای که از جمله آنها می‌توان به کنترل میدان‌های نفت و پالایشگاه در عراق و سوریه، تسلط بر بانک‌های تحت اشغال، قاچاق آثار باستانی، باج از طریق گروگان‌گیری و همچنین، دریافت کمک‌های مالی از برخی کشورهای منطقه اشاره کرد (Cîrlig, 2015:2 and Hawrami, 2015:66). عراق را به جولانگاهی برای حضور مداوم داعش تبدیل کرده است؛ تهدیدی که به‌نظر می‌رسد، با اتحاد نیروها و مردم عراق قابل دفع باشد. با توجه به تحولات برآمده از روند انتخاباتی این کشور که به روی کار آمدن حیدر العبادی، نخست‌وزیر جدید عراق منجر شد، روند مبارزه با داعش تسهیل گردید؛ تا آنجا که توافقی میان بغداد و حکومت اقلیم کردستان در زمینه صادرات انرژی و تقسیم درآمد حاصل از آن، صورت گرفت؛ موضوعی که به نظر می‌رسد، باعث افزایش همکاری میان نیروهای پیشمرگ و نیروهای امنیتی عراق به مثابه نخستین گام به سوی یک جبهه مشترک علیه داعش باشد (Cîrlig, 2015:3) و همکاری‌هایی که می‌تواند مؤلفه و موازنه جدیدی در استقرار ارتش علیه داعش ایجاد کند.

بر این اساس، تحولاتی در حوزه میدانی عراق مبنی بر تغییر حرکت و رسیدن نیروهای داعش از بغداد، با توجه به حضور نیروهای امنیتی عراق و شبه نظامیان شیعه - که مورد حمایت ایران بودند - به سمت مراکز شمالی به وقوع پیوست (Cîrlig, 2015:3).

پیرو پیشروی در عراق، گروه تروریستی داعش حمله گسترده‌ای را در ماه ژوئن راه‌اندازی کردند که باعث شد نیروهای کردی از منطقه راهبردی اربیل عقب نشینی کنند (Al-Akhbar, 2014). پس از پیشروی‌های نیروهای داعش به سمت مرزهای اقلیم، مقامات آن از دولت‌های خارجی تقاضای کمک کردند که جمهوری اسلامی ایران، به واسطه تأمین امنیت کشورهای پیرامون خود به تقاضای اقلیم جواب مثبت داد. در این برهه از زمان، جمهوری اسلامی ایران برای حفظ تمامیت ارضی عراق و در حمایت از منطقه کردستان عراق، پیشنهاد فوری خود را در جهت کمک‌های انسان دوستانه، نظامی و حمایت‌های اطلاعاتی ابراز کرده بود؛ درحالی که جهان غرب، هرگونه کمک را منوط به ایجاد شرایطی در سطح دولت عراق می‌دانستند (House of Commons Foreign Affairs Committee, 2015: 30). بنابر اظهارات مسعود بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق، ایران نخستین کشوری بود که به ارسال تجهیزات برای کردها اقدام کرد (Esfandiary and Tabatabai, 2015: 7). بر این اساس، وی طی یک بیانیه‌ای در کنفرانس نفت و گاز در لندن ابراز داشت: «ما همچنان به تقویت روابط خود با همسایه شرقی‌مان، ایران ادامه خواهیم داد» (Al-Akhbar, 2014). احمد سعدی، مسئول روابط خارجی اتحادیه میهنی نیز بیان کرد: «با وارد کردن ایران به صحنه رسمی معادلات سیاسی، بسیاری از مشکلات منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های ایران حل و فصل خواهد شد» (Islamic republic news agency, 2015).

با توجه به مطالب فوق، مشارکت فعال ایران موجب می‌شود تا فرصت‌های ایران در کردستان عراق بسیار افزایش یابد. اتخاذ رویکردهای فوق از این جهت مهم است که تا

حدود زیادی خواست جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب راهبرد کلی نسبت به کشور عراق - حفظ تمامیت ارضی - تأمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

منطقه کردستان عراق، پس از دوره صدام در عرصه سیاست داخلی و خارجی کشور عراق از نفوذ گسترده‌ای برخوردار شد؛ تا آنجا که با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپولیتیک، توانسته است در عصر وابستگی متقابل، دربردارنده فرصت‌ها و چالش‌هایی برای بسیاری از کشورها محسوب گردد. در این رابطه، می‌توان برای جمهوری اسلامی ایران وابستگی‌های متقابلی از حیث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اقلیم کردستان عراق متصور گشت؛ موضوعی که در این پژوهش، نسبت به آن اهتمام شد و به عرصه‌ای برای شناسایی چالش‌ها و پتانسیل‌های فرصت‌زا در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تعین یافت.

بی‌تردید، یکی از آرمان‌های اصلی کردستان عراق دستیابی به استقلال سیاسی است؛ اما این امر پیوندی گسست‌ناپذیر با نوع رویکرد کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرماندهی دارد؛ رویکردی که می‌تواند به چالشی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی گردد. با مقایسه رویکرد میان ایران و سایر کنشگران دخیل در تحولات اقلیم، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی بر اساس نوع رابطه با دولت مرکزی خواستار حفظ تمامیت ارضی است؛ تا آنجا که نوع رویکرد امنیتی ایران به مسئله کردستان موجب شده است تا از ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تا حدود زیادی غافل باشد و متعاقباً چالش‌های فراوانی را در پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای و فرماندهی‌ها با استراتژی‌ها و اهداف مختلفی درصدد نفوذ در اقلیم کردستان عراق هستند. اسرائیل به دلایل مختلف از استقلال کردستان عراق حمایت می‌کند. همچنین،

اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ ... / ۵۷

نوع نگاه دو بازیگر اصلی در این موضوع؛ یعنی ترکیه و آمریکا عمل‌گرایانه است. ترکیه به‌ویژه از سال ۲۰۰۸ به بعد، بر سطح تعامل با کردستان عراق افزوده است؛ به‌گونه‌ای که هم‌اکنون شرکت‌های ترکیه‌ای حدود نیمی از شرکت‌های فعال در کردستان عراق را تشکیل می‌دهند. در رابطه با آمریکا باید گفت اکنون این کشور با استقلال و تجزیه‌طلبی در عراق مخالف است و نخستین کشوری بود که نسبت به اعلام استقلال کردستان واکنش منفی نشان داد (این موضوع حتی می‌تواند زمینه همکاری میان ایران و آمریکا را در موضوع کردستان عراق فراهم کند) و در تلاش است تا به‌نوعی میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان آشتی ایجاد کند؛ اما ممکن است رویکرد آمریکا در قبال کردستان عراق در سال‌های آینده تغییر کند؛ برای مثال، این کشور به‌منظور جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و اعمال فشار بر ایران، از موضوع کردستان به‌عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کند.

از این منظر، سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران باید در عصر وابستگی متقابل، به سمت کشورهایی که در مجاورت جغرافیایی ایران قرار دارند، دوچندان شود تا زمینه افزون‌گرایی قدرت ملی و تأمین منافع ملی فراهم آید. در این راستا، اقلیم کردستان عراق، از ظرفیت‌های زیادی برای پیشبرد منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؛ تا آنجا که کوشش برای تقویت محور شیعه و کرد در عراق و حل اختلافات میان آنها در راستای وحدت مرکزی، نظارت بر جریان‌های سیاسی حاکم بر کردستان عراق با توجه به گرایش‌های حاکم در دو حزب میهنی و دمکرات، بالا بردن حجم تجارت خارجی با کردستان عراق با تعبیه امکانات و بسترهای لازم در زمینه‌های اقتصادی، کوشش برای حضور فعال نیروی کار در کردستان عراق، استفاده از ظرفیت اشتراکات فرهنگی میان ایرانی‌ها و کردها و در نهایت، همکاری با کردستان عراق در زمینه مبارزه با گروه تروریستی داعش که در حال حاضر به نظر می‌رسد نقطه تلاقی مناسبات

حاکم در روند همکاری‌های ایران و کردستان عراق باشد، از فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

منابع

اتاق مشترک بازرگانی، صنایع و معادن ایران و عراق. (۱۳۹۱). حدود نیمی از شرکت‌های

خارجی در شمال عراق سرمایه‌گذاران ترک هستند، قابل دسترس در:

<http://ir-iqcc.com/fa/news/iran-iraq-news/1554-1391-10-23-07-13-34.html>

اتاق مشترک بازرگانی، صنایع و معادن ایران و عراق. (۱۳۹۴). درخواست برای حضور

شرکت‌های بزرگ ایرانی در اقلیم کردستان عراق، قابل دسترس در:

<http://ir-iqcc.com/fa/news/iran-iraq-news/2908-1394-02-15-12-01-20.html>

ایلخانی‌پور، علی و سمیه بهرامی. (۱۳۹۲). تأثیر عامل انرژی بر روابط روسیه و اتحادیه

اروپا، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۱.

بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی،

تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوژمه‌رانی، حسن و مهدی پوراسلامی. (۱۳۹۲). تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان

عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران، مطالعات جهان اسلام، سال اول، ش ۴.

جمالی، حسن. (۱۳۸۰). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.

حافظنیا و دیگران. (۱۳۸۹). تحلیل تطبیقی خودگردانی کردستان عراق با الگوی

خودمختاری و فدرالیسم، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ش ۲.

خالدی، حسین و حمیدرضا محمدی. (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک کردستان عراق، تهران: انتخاب.

خبرگزاری مهر. (۱۳۹۳). جزئیات توافق بزرگ نفتی ایران-کردستان عراق اعلام شد، قابل

دسترس در:

<http://www.mehrnews.com/news/2280526>

راست، بروس و هاروی استار. (۱۳۸۱). سیاست جهانی؛ محدودیت‌ها و فرصت‌های

انتخاب، ترجمه علی امید، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

رضوی، سلمان. (۱۳۸۷). فرصت‌های سیاسی عراق جدید برای اسرائیل، عراق پس از

صدام و بازیگران منطقه‌ای، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.

شیخ‌عطار، علیرضا. (۱۳۸۲). کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.

شیخ‌نشین، قربانعلی و اکرم قدیمی. (۱۳۹۱). بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ش. ۶۲.

عبداله‌خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عیسی، عزت. (۱۳۹۰). سرمایه‌گذاری خارجی در کردستان، فصلنامه گفتگو، ش ۵۸.

قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: میزان.

قوام، عبدالعلی و مهدی اعلائی. (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک هسته‌ای ایران در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۶.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

مک‌داول، دیوید. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانید.

موسوی، سید حسین. (۱۳۸۶). الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع،

فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، ش ۴.

Al-Akhbar (2014), Iraq's Kurdistan seeks to strengthen relationship with Iran, Available: <http://english.al-akhbar.com/node/22923>

Andreas, Jan-Justus (2014), Iraqi - Kurdistan: Capital of Oil and Gas Exploration – What Does it Mean for Europe?, Institute for Strategic Dialogue, available: http://www.kas.de/wf/doc/kas_38003-1522-2-30.pdf?14060613.

Baldwin, David a(1980), “Interdependence and power: a conceptual analysis”, *International Organization*, the Board of Regents of the University of Wisconsin System.

Buzan, Barry and Wæver, Ole(2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge University Press

Charountaki, Marianna (2012), “Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government” *Perceptions*, Volume XVII, N 4.

- Cîrlig, Carmen-Cristina(2015), “The international coalition to counter ISIL/Da'esh” (the 'Islamic State), European Parliamentary Research Service.
- Cordesman, Anthony H. and Sam Khazai (2014), *Iraq in Crisis*, Whashington, DC, Center for Strategic Intuitional studies.
- Esfandiary, Dina and Ariana(2015), Iran’s ISIS policy, *International Affairs*, available:http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/file_id_publication_docs/INTA91_1_01_Esfandiary_Tabatabai.pdf
- Gunter, Michael M. (2012), “The KDP-PUK Conflict in Northern Iraq”, *Middle East Journal* vol 50, no. 2.
- Hawrami, Hemin(2015), “The Iraqi Kurdistan Regions Role in Defeating ISIS”, *Turkish policy Quarterly*, Volume 14, Number 1.
- House of Commons Foreign Affairs Committee (2015), UK Government policy on the Kurdistan Region of Iraq, available: <http://www.parliament.uk/pa/cm201415/cmselect/cmfaaff/564/564.pdf>
- Invest in group (2013), Overview: Kurdistan Region Economy, available: <http://www.investingroup.org/publications/kurdistan/overview/economy/>
- Islamic Republic news agency (2015), Outcome of nuclear talks important for Iraqi Kurdistan, Iraqi official, available:[http:// www.irna. ir/en/ News/ 81672316/](http://www.irna.ir/en/News/81672316/)
- Keohane, Robert O and Nye, Joseph S(2012), *Power and Interdependence Revisited*, The MIT Press.
- Mills, Robin M. (2013), “Northern Iraq’s Oil Chessboard: Energy, Politics and Power”, *Insight Turkey*, Vol.15, No.1.
- Morelli, Massimo and Costantino Pischedd (2014) “ The Turkey-KRG Energy Partnership: Assessing Its Implications”, *Middle East Policy*, Vol. XXI, No. 1
- Sariolghalam, Mahmoud (2003), “Understanding Iran: Getting past stereotypes and Mythology”, *The Washington Quarterly*, Vol 3. No 4.
- Stansfield, Gareth (2013), “The Unravelling of the Post-First World War State System? The Kurdistan Region of Iraq and the Transformation of the Middle East”, *International Affairs*, Vol 89, No. 2.
- Tol, Gönül (2014), *Untangling the Turkey-KRG Energy Partnership: Looking Beyond Economic Drivers*, Istanbul Policy Center.
- Wikipedia (2015), Iraqi Kurdistan–Israel relations, available: [https:// en.wikipedia.org/wiki/Iraqi_Kurdistan%E2%80%93Israel_relations](https://en.wikipedia.org/wiki/Iraqi_Kurdistan%E2%80%93Israel_relations)

Zaken, Mordech (2007), *Jewish subjects and their tribal chieftains in Kurdistan : a study in survival*, Leiden ; Boston : Brill.

Zulal, Shwan (2012), “Survival Strategies and Diplomatic Tools: The Kurdistan Region’s, Foreign Policy Outlook”, *Insight Turkey* Vol. 14, No. 3.